

۲۴۲۴۹۲۲

نگاه، نگاه و دوباره و نو

مجموعه سروش محلاتی



سرشناسه : سروش محلاتی، محمد، ۱۳۴۰ -
 عنوان و نام پدید آور: نگاه، نگاهی دوباره و نو: پژوهشی فقهی اجتماعی در
 موضوع نگاه و مسائل آن / محمد سروش محلاتی.
 مشخصات نشر: تهران: میراث اهل قلم، ۱۴۰۲.
 مشخصات ظاهری: ۱۷۲ ص: ۱۴/۲۱×۵/۱۴ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۸۸-۶۶-۴
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: کتابنامه.
 موضوع: نگاه به نامحرم (فقه)
 *Looking at namahram (Islamic law)
 نگاه - جنبه‌های مذهبی - اسلام
 Look -- Religious aspects -- Islam*
 رده بندی کنگره: BP1۸۹/۲۵
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۶
 شماره کتابخانه ملی: ۹۳۷۴۵۲۴

نگاه، نگاهی دوباره و نو

محمد سروش محلاتی

نوبت چاپ: اول - بهار ۱۴۰۳، شمارگان: ۱۵۰ نس

مرکز پخش: ۰۲۱-۳۳۳۵۵۷۷

شبکه‌های اجتماعی: ۰۹۳۷۰۷۷۰۳۰۳



فهرست مطالب

۹		مقدمه
۱۱		مقدمه مجله پیام زن
۱۳		پیش‌گفتار
۲۵		رابطه پوشش و نگاه
۲۶		چشم‌چرانی و خودنمایی
۲۷		تفاوت دو تکلیف «ستر بدن» و «غضّ بصر»
۲۹		ملازمه حکم ستر و نظر
۲۹		نوع اول ملازمه
۳۰		نقد و بررسی
۳۲		نوع دوم ملازمه
۳۳		نوع سوم ملازمه
۳۵		محدوده مجاز نگاه
۳۵		یادآوری
۳۵		مفهوم غضّ بصر
۴۰		تفسیر روایی غضّ بصر
۴۲		گستره غضّ بصر
۴۷		نگاه به چهره

۴۷	نگاه مرد به زن.....
۴۸	الف) بررسی اقوال و نظرات.....
۴۹	۱. دیدگاه موافق.....
۵۰	۲. دیدگاه مخالف.....
۵۱	۳. موافقت با نگاه اول و مخالفت با نگاه‌های بعد.....
۵۱	ب) بررسی ادله.....
۵۴	نقد و بررسی.....
۵۵	نقد و بررسی.....
۵۹	نگاه به پیره آخته.....
۶۴	روایات در باره ریت سکا.....
۶۶	پاسخ به دو سؤال.....
۶۶	سؤال اول.....
۶۶	پاسخ.....
۶۷	الف) ملازمه عقلایی.....
۶۸	ب) ملازمه شرعی.....
۶۸	سؤال دوم.....
۶۹	پاسخ.....
۷۴	نگاه؛ حق یا حکم؟ فلسفه محدودیت نگاه.....
۷۴	نگاه «حق شخص» است و یا «حکم شرع»؟.....
۷۸	فلسفه محدودیت نگاه.....
۷۹	۱. آرامش روانی.....
۸۲	۲. حرمت انسانی.....
۸۳	۳. امنیت اجتماعی.....
۸۳	قرانت دوباره.....
۸۷	نگاه آلوده.....

الف) تلذذ.....	۸۷
۱) گستره تلذذ حرام.....	۸۸
۲) تلذذ عقل و تلذذ شهوت.....	۹۰
۳) تلذذ فهری و تلذذ قصدی.....	۹۲
ایراد شکفت آور و نظر شکفت آورتر.....	۹۵
ب) ریه.....	۹۶
بررسی ادله حرمت نظر با ریه.....	۹۹
دواستدلال قرآنی.....	۱۰۱
نگاه خواستگاری.....	۱۰۵
طرح مسأله.....	۱۰۵
محدوده نگاه خواستگاری.....	۱۱۵
دیدگاه اول.....	۱۱۶
الف) روایات مطلق.....	۱۱۶
ب) علت منصوص.....	۱۱۷
نقد و بررسی دیدگاه اول.....	۱۱۷
دیدگاه دوم.....	۱۲۱
نقد و بررسی.....	۱۲۲
دیدگاه سوم.....	۱۲۴
۱. نگاه به صورت.....	۱۲۴
۲. نگاه به دست.....	۱۲۵
۳. نگاه به مو و گردن.....	۱۲۵
۴. نگاه به محاسن.....	۱۲۵
۵. نگاه به بدن.....	۱۲۸
دگرگونی فرهنگی اجتماعی.....	۱۲۹
ویژگی های نگاه خواستگاری.....	۱۳۶

۱۳۶	۱. ارزش نگاه
۱۳۷	۲. عمق نگاه
۱۳۸	۳. تکرار نگاه
۱۳۸	۴. وقت نگاه
۱۳۹	۵. ریه و تلذذ در نگاه
۱۳۹	۶. شرایط نگاه
۱۴۰	الف) عدم قصد لذت جویی
۱۴۰	ب) بی‌للاعی از وضع ظاهری زن
۱۴۱	ج) تمییم ازدواج
۱۴۴	۷. اجازه نگاه
۱۴۸	نگاه زنان برای انتخاب هـ سر؛ نگاه به زنان لاابالی
۱۵۱	نگاه به زنان لاابالی
۱۵۸	نگاه به زنان غیر مسلمان
۱۵۹	بررسی یک سؤال
۱۶۲	سه تحلیل دیگر
۱۶۲	تحلیل اول: نفی احترام ذاتی
۱۶۳	تحلیل دوم: قاعده عسر و حرج
۱۶۴	تحلیل سوم: تعلیل دو گانه
۱۶۴	اشارات تعلیل
۱۶۵	محدودیت نگاه به زنان غیر مسلمان
۱۶۸	فهرست منابع

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

مسئله نگاه، از موضوعات مهمه فقهی است که مورد ابتلای عموم مکلفان است. احکام نگاه، هر چند رساله‌های عملیه مراجع معظم تقلید مطرح گردیده و در اختیار مقلدان می‌باشد ولی علاوه بر آن، تبیین مبانی فقهی این احکام نیز برای علاقمندان مفید و برای پاسخ به برخی شبهات و سؤالات، لازم است. در مباحث نگاه که اینک ارائه می‌شود، بررسی این مبانی و تحلیل آن با نگاهی تازه، پرداخته شده است. این مباحث، بیست و پنجمین سال پیش (سال ۱۳۷۸) به شکل مقالاتی در مجله ماهانه پیام‌زن - دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - منتشر گردید و پس از انتشار ۱۲ قسمت، فرصت ادامه و تکمیل آن فراهم نیامد. قابل ذکر است که نگارش این مقالات مقارن بود با تدریس کتاب «الحکام توسط فقیه محقق حضرت آیت الله حاج سید موسی شبیری زنجانی که این حقیر نیز توفیق حضور در آن درس را داشتم. از این رو در این مقالات نیز از مباحث ایشان بهره برده‌ام و هر کجا که به نظر برخی محققان اشاره کرده‌ام، مقصودم نظر این استاد عالیقدر (مدظله العالی) است. اینک آن مقالات، بدون هیچ‌گونه تغییری، در این دفتر ارائه می‌شود و امید است، نشر مجدد آن، در جهت فهم بهتر احکام اسلامی مفید افتد. والحمد لله رب العالمین.

پائیز ۱۴۰۲

محمد سروش محلاتی

مقدمه مجله پیام زن

«نگاه» از مسائلی است که جزء روزمره‌ترین امور مردان و زنان به شمار می‌رود و پیوسته مرزهای حلال و حرام آن در فقه مورد بحث و گفتگو بوده است و امروز از جمله به دلایل زیر، طرح و بررسی در باره آن اهمیت یافته است؛ یکی آنکه، حضور اجتماعی بانوان مسلمان در دوران معاصر گسترش یافته است و لذا تبیین روابط زن و مرد در حوزه نگاه اهمیت مضاعفی پیدا کرده است. دوم آنکه، پیشرفت فن‌آوری تصویری، موضوعات جدیدی را در این حوزه وارد ساخته است که اساساً در گذشته چنین موضوعاتی منتفی بوده است و اینکه باید به آنها پرداخت، از قبیل نگاه به فیلم، سوم آنکه، عشق و عطش نسل جدید برای درک احکام اسلامی با توجه به منابع و مدارک آن و پرسش‌هایی که از این احساس ناشی می‌شود، ضرورت ارائه بحث‌های تحقیقی در سطح وسیع‌تر از محدوده حوزه‌های علوم اسلامی را ایجاب می‌کند.

بسیاری از مباحث قابل طرح در سطح عموم، در سطوح مختلف آموزشی حوزه‌ها بویژه در درس‌های کاملاً باز و استدلالی حوزه (درس خارج فقه) مطرح می‌شود که هرچند با صبغه‌ای کاملاً فقهی و در سطحی تخصصی و به شکلی ویژه برای محصلان و فاضلان حوزه‌ها می‌باشد ولی تحلیل و تبیین مجدد بسیاری از مباحث مطرح شده، در قالب و صبغه‌ای عمومی همراه با طرح و محتوای متناسب

با مجامع عمومی می‌تواند این فرصت را برای انتقال برداشت‌هایی از این دست مباحث به دیرعلاقه‌مندان فراهم سازد. مسائل و مباحث فقهی و تفسیری مربوط به بانوان نیز به فراخور بحث‌های حوزوی، همواره در حوزه مطرح می‌شود، از آن جمله است موضوع «نگاه» و مسائل متعدد مربوط به آن. بهره‌جویی از مباحث حوزوی و شیوه طرح آنها در کنار دیگر مطالعات و دیدگاه‌های موجود و نیز پرداختن به آن دسته از مسائلی که کمتر به بحث گذاشته شده است، در شکلی تحلیلی و با صبغه‌ای فقهی اجتماعی می‌تواند مجموعه‌ای راهگشا و ارزنده را پیش روی علاقه‌مندان این مباحث قرار دهد که نه اختصاص به فاضلان حوزه داشته باشد و نه به طور کلی از بهای تحلیلی و مایه‌های فقهی تهی باشد و در مجموع به کار مخاطبان آید. مؤثر «نگاه» با همین ویژگی، طبعاً در جایگاه خاصی قرار می‌گرفت و پژوهش در مسائل مختلف و متعدد آن، خواسته‌ای نبود که به سهولت مباحث دیگر در دسترس باشد بویژه که علمی، رغبت، اهمیت و درجه کاربری آن، تحقیقات و نگارش‌های قابل توجهی که به عمق مسائل آن بپردازد وجود ندارد. خوشحالیم که نویسندگان محترم، که خود از فاضلان صاحب نظر در این مسائل می‌باشند، تلاش گسترده و عمیقی در تنقیح مباحث و تکمیل مسائل مورد نظر مبذول داشته‌اند.

پیش‌گفتار

موضوع نگاه، از سائیل مهم و مورد نیازی است که در فقه اسلامی مورد کنکاش و تحقیق قرار گرفته. رزوایی، گوناگون آن بررسی شده است. این موضوع از آن رو که در حوزه «افعال مکلفین» قرار دارد،^۱ از مسائل فقهی شمرده می‌شود و در دانش فقه «دیدن» از نقطه نظر حلال و حرام بودن مورد بحث قرار می‌گیرد.

پیش از ورود به مباحث اصلی این موضوع، مقدماتی چند طرح می‌گردد:

گستره «فقه» همه موضوعاتی را که در اسلام درباره آن «دستور عملی» دارد، دربرمی‌گیرد و لذا نوع ارتباط انسان‌ها با یکدیگر، در این دایره قرار دارد. از سوی دیگر آنچه که امروزه به عنوان «حقوق» با شاخه‌های مختلف آن از قبیل: حقوق سیاسی، حقوق مدنی، حقوق اداری و حقوق سیاسی شناخته می‌شود، تنها «بخشی» از فقه را تشکیل می‌دهد و چه بسیار از مباحثی که در حقوق جایی ندارد ولی در فقه «حکم» آن ارائه می‌شود؛ همچون «رابطه انسان با نفس خویش» که در مسائلی مانند: وجوب حفظ نفس، حرمت اضرار به نفس، حرمت خودکشی، حرمت عزوبت (در برخی موارد) خود را نشان می‌دهد. به علاوه تنها دغدغه حقوق، سامان دادن به نظم اجتماعی است و مقررات حقوقی صرفاً به خط‌کشی در «روابط انسان‌ها با یکدیگر» برای استقرار

۱. علامه حلی؛ منتهی المطلب، ج ۱، ص ۷: «کان موضوع هذا العلم هو افعال المكلفين من حيث

انضباط عقلانی در «این جهان» توجه دارند، درحالی که فقه حتی در برقراری «نظم معاش» به «سعادت معاد» نیز نظر دارد و چون انسان را موجودی دائمی و فناپذیر می‌داند، به نیک بختی او در محدوده تنگ و کوتاه دنیا بسنده نمی‌کند و در هر رخصت یا عزیمتی، شعاع تأثیر آن را بر «جسم» و «جان»، آن هم در امتداد «حیات ابدی» مورد توجه قرار می‌دهد و هر رفتاری که سلامت «روح انسان» را در معرض مخاطره قرار دهد و او را از حرکت بر مدار انسانیت باز دارد، با منع فقه روبه رو می‌شود؛ هر چند که از نظر حقوقی، تعدی در حق دیگران به حساب نیاید و صاحب حقی را نیز «مخالف» و «اعتراض» و ندارد.

در تکلیف «زکات»، هر چند رسیدگی به وضع محرومان و خدمات عام المنفعه مورد نظر است^۱ ولی تأثیر روحی آن در «طهارت نفس» و پاک شدن از کدورت‌های دنیوی و مانی، انباشت می‌گذارد^۲ و در تکلیف «حرمت نظر» به جنس مخالف و «پاکدامنی» هر چند «اجتماعی» آشکاری وجود دارد ولی قرآن به «فلسفه طهارت نفس»^۳ تصریح می‌کند.

محدودیت‌های بحث‌های حقوقی^۴ بحث آن شده است که موضوع اساسی «نگاه» به طور کلی از دانش حقوق بیرون افتد و نه تنها از نقطه نظر «حق» مورد اعتنا قرار نگیرد، بلکه از زاویه «تکلیف» نیز بدان پرداخته نشود. درحالی که فقه، با دید وسیع و همه جانبه موضوع نگاه را مورد بحث قرار داده است.

۱. همو؛ تحریر الاحکام الشرعیه، ج ۱، ص ۳۲.

۲. سوره توبه (۹)، آیه ۶۰: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ...».

۳. همان، آیه ۱۰۳: «لِخُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا...».

۴. سوره نور (۲۴)، آیه ۳۰: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ...».

۵. درباره ویژگی‌ها و اختصاصات قواعد حقوقی ن. ک: سیدجلال الدین مدنی؛ مبانی و کلیات علم حقوق، ص ۳۰ و ناصر کاتوزیان؛ مقدمه علم حقوق، ص ۵۴.

﴿ ۲ ﴾

«بایدها» و «نبایدها»ی رفتار انسان در فقه بیان می‌شود و همین بایدها و نبایدهاست که «تکلیف» نام می‌گیرد. انسان مکلف، انسانی است که در اثر برخورداری از کمال روحی و عقلی و نیز قدرت جسمی و بدنی، باید نوعی «محدودیت» را در رفتار خود بپذیرد. این محدودیت‌ها از دید کسانی که «یله و رها» بودن بشر را می‌پسندند، «تحمیل» تلقی می‌شود و با آزادی انسان ناسازگار است ولی در نظر کسانی که «امتیاز بشر» را در «توان مهار غرایز سرکش» می‌دانند، «تکلیف» نوعی «تکلیف» است و این همان امانتی^۱ است که خداوند، بشر را بدان به دیگر موجودات برتری داده است. اسلام هر چند بر «حقوق» انسان ارجح می‌نهد و گوهر انسانیت را زمینه بسیاری از حقوق برای وی می‌شمارد ولی این بدان معنی نیست که کرامت انسان را بدان محدود ساخته و ارزش او را در چارچوب آن قرار دهد، مکتبی که با دقت تمام حقوق حیوانات را برمی‌شمارد و بر رعایت آن تأکید دارد^۲ و رهبرانی که ربودن پوست جویی از دها،^۳ رچه‌ای را برای رسیدن به همه نعمت‌های دنیوی و تصاحب همه ذخایر مادی بر نمی‌تابند،^۴ چگونه ممکن است که از حقوق «انسان‌ها» با بی‌اعتنایی عبور کنند؟

با این همه، در این مکتب، نصاب انسانیت و عیار شرافت، «دی حق بودن» انسان تعیین نمی‌شود و انسان کامل به انسان دست یافته به حقوق خویش و احترام گذارنده به حقوق انسان‌های دیگر تعریف نمی‌شود. اهتمام جدی فقه بر تکالیف بشر و نکته‌سنجی‌ها و باریک‌بینی فقیهان در تبیین و تحلیل آن، نه از سر آن است

۱. سوره احزاب (۳۳): آیه ۷۲: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أَسْفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا».

۲. محمدحسن نجفی؛ جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۹۴.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

که در فقه، «حقوق» بی ارزش‌اند، بلکه بدان جهت است که «تکالیف» موقعیت ویژه و ممتازی دارند و سیر کمال انسان با رعایت دقیق این تکالیف تحقق می‌یابد. به علاوه که «حقوق»، طبعاً برای انسان پرجاذبه است و گرایش نفع طلبانه افراد، آنها را بدان سوق می‌دهد (حرکت در سراسیمه‌ی)، در حالی که «تکالیف» با میل به یله بودن در انسان‌ها ناسازگار است و چه بسا از سرب‌ری رغبتی انجام می‌گیرد (حرکت در سرب‌لایی)، از این رو تکالیف به تبیین و تأکید بیشتری نیاز دارد و ساختن جامعه‌ای که در آن انسان‌ها تکالیف را محترم بشمارند و به آن مقید باشند، از ساختن جامعه‌ای که در آن انسان‌ها حقوق یکدیگر را رعایت کنند، به مراتب دشوارتر است.^۱ نگاه فقه به تکلیف، آن‌گونه است که شهید آیت الله صدر می‌گوید: «تکلیف انسان، شرافت و کرامتی است که از سوی خداوند نصیب انسان می‌شود، چرا که تکلیف نمادی از امتیاز خداوند بشمار می‌رود و بر خورداری از «خرد» و «قدرت» برای «ساختن خود»، «فرمانروایی بر تمایلات خویش»، «بر دوش گرفتن «مسئولیت» است، در حالی که دیگر موجودات از چنین استعدادی برخه‌دار نیستند». ^۲ و بر اساس چنین نگرشی است که عالمی سترگ مانند سید بن طاووس، ادمان ورود به جرگه مکلفان را جشن می‌گیرد و حضور در این ضیافت را مبارک می‌شمارد.^۳

۱. این قضاوت که «زبان دین و فقه عمدتاً زبان تکلیف است، نه زبان حقوق» (عبدالکریم سروش؛ فریه‌تر از ایدئولوژی، ص ۲۸۳) هر چند قابل قبول است ولی نقضی برای فقه به حساب نمی‌آید و نمی‌توان از آن استنتاج کرد که فقه، حقوق آدمیان را در جایگاه شایسته و بایسته خود قرار نمی‌دهد. متأسفانه این نویسنده در جای دیگر از این نکته چنین نتیجه گرفته است که «چگونه چنین عملی را می‌توان مدار زندگی و مبنای حقوق قرار داد؟» (فقه در ترازو؛ عبدالکریم سروش، مجله کیان، شماره ۴۶).

۲. سید محمد باقر صدر؛ موسوعه الشهد السید محمد باقر الصدر (الفتاوی الواضحه)، ج ۱۶، ص ۱۳۵.

۳. وی خطاب به فرزند خود می‌گوید: وقتی به مرحله کمال عقل و بلوغ رسیدی که خداوند بزرگ تو را برای ورود به مجلس حضور خود و اطاعتش اذن می‌دهد، آن هنگام را از برترین اعیاد بشمار و هر ساله آن روز را گرامی دار (ن.ک: سید بن طاووس؛ کشف المحجبه، ص ۱۴۲).

رابرت جکسون، دادستان دیوان ایالت متحده آمریکا در بررسی مقایسه‌ای بین حقوق (فقه) اسلامی با حقوق آمریکا، متوجه همین برتری و امتیاز در قوانین اسلامی می‌شود و تحت تأثیر این ویژگی مهم قرار می‌گیرد: «قانون در آمریکا تماس محدودی با اجرای وظایف اخلاقی دارد، در حقیقت یک شخص آمریکایی در همان حال که ممکن است یک فرد مطیع «قانون» باشد، ممکن است از حیث «اخلاق» فرد پست و فاسدی باشد ولی برعکس آن در قوانین اسلامی سرچشمه و منبع قانون اراده خداست... به نظر مومن این جهان «دهلیزی» است به جهان دیگر که جهان بهتر باشد و قرآن قواعد و قوانین و طرز سلوک افراد را نسبت به یکدیگر و نسبت به اجتماع آنها معین می‌کند تا آن تحول سالم را از «این عالم» به «عالم دیگر» تأمین بنمایند... تعلیمات دینی، طرز رفتار نسبت به اصول مذهبی و طرز زندگی شخصی و اجتماعی و سیاسی همه را تعیین می‌کند. این تعلیمات بیشتر «وظیفه و تکلیف» برای انسان تعیین می‌کند. «حقوق» یعنی تعهدات اخلاقی که فرد ملزم به اجرای آن می‌باشد بیشتر مطمح نظر است...»^۱

از جمله تکالیفی که به صراحت در قرآن و سند مطمح شده است، درباره «نگاه کردن» است که فقه، حدود و ثغور این تکلیف را مشخص می‌کند. فقه برخی نگاه‌ها را «مباح» و برخی دیگر را «حرام» می‌داند، در مواردی نیز به «حجاب یا کراهت حکم می‌کند و ممکن است تحت عناوین خاصی، مسأله جنبه الزامی به خود بگیرد و انسانی که عبودیت و بندگی خدا را سرمایه ترقی و تکامل می‌داند، با ارج نهادن به حکم خداوند، در بستر کرامت و شرافت قرار می‌گیرد.

﴿ ۳ ﴾

احکام الهی که از اراده پروردگار «حکیم» سرچشمه می‌گیرد، برخاسته از «حکمت» و مصلحت است و در این حکمت، صلاح و کمال انسان مورد نظر قرار گرفته است و

۱. مجید خدوری؛ حقوق در اسلام، مقدمه رابرت هوگوت جکسون.

هر چند که خرد آدمی، به شرح و تفصیل این حکمت‌ها و اسرار تکالیف دست نیابد ولی این باور «منطقی» و ایمان «قلبی»، پشتوانه محکمی در مقام اطاعت و امتثال است و براساس آن هرگز عقل اجازه تخلف به انسان نمی‌دهد. حکیم مثاله حاج ملاهادی سبزواری که در منظومه فقهی - عرفانی خود (نبراس) به بیان اسرار احکام می‌پردازد، در آغاز این اصل را تثبیت می‌کند:

«فکل حکم جاء فيه مصلحة وان لدی الاوهام لیست واضحة

لکن عند الانفس الکلیة اسرارها الخفیة جلیة»^۱

در هر حکم خداوند، مصلحتی وجود دارد هر چند برای اندیشه ناقص ما آشکار نباشد ولی برای آن کس که جانش بر حقایق هستی اشراق دارد، این رموز پنهان برملاست. براین اساس هر خورد با احکام فقهی، «روح تعبد» را نمی‌توان نادیده گرفت، زیرا احکام شرعی در نهاد و انین عرفی نیست که «همه مصالح» آن کاملاً هویدا باشد و همه آثار آن را با تجربه «این جهان» بتوان بر محک آزمایش زد و بالاخره با تشکیک در میزان سود آن، اعتبارش را مخدوش نمود و پایه و اساسش را لرزاند.^۲ البته اگر حکم قطعی عقل برخلاف حکم شرعی باشد، «کشف» از آن می‌شود که در فهم حکم شرعی خطایی صورت گرفته است، ولی به استناد «عجز خرد» از درک حکمت حکم و یا تردید در مصلحت آن، بر اعتبار حکم شرعی که براساس موازین معتبر

۱. ملاهادی سبزواری؛ نبراس الهدی، ص ۴۶.

۲. اخیراً گرایشی در برخی نویسندگان دیده می‌شود که مصالح «خفیه» را در احکام اجتماعی مورد انکار قرار می‌دهند و چنین اعتقادی را مایه «توقف فقه» می‌شمارند. (ن.ک: عبدالکریم سروش؛ فقه در ترازو، کیان، ۴۶) این گرایش که به علل گوناگون در میان اهل سنت سابقه دار است، از یک سو «راه مخدوش ساختن احکامی» را که در کتاب و سنت بیان شده است، باز می‌کند، چرا که با اطلاع از همه مصالح جلیه آنها، پای‌بندی و تقید به آن احکام با توجه به امکان و دگرگونی مصالح در شرایط مختلف، نامعقول است و از سوی دیگر «راه ظهور شریعت جدید و شارع جدید» را مفتوح می‌کند، زیرا با اطلاع از مصالح جلیه جدید، بشر می‌تواند بر مبنای آن به قانون‌گذاری بپردازد.

اجتهادی به اثبات رسیده است، آسیبی نمی‌رسد، هر چند که تعقل در احکام نیز دارای میدان فراخی است و دست عقل برای دستیابی به «صورت حکم» و یا کاوش در «مصالح» آن باز گذاشته شده است.

این نکته نیز گفتنی است که تعبد در برابر قانون، لازمه همه نظام‌های حقوقی است و در اینجا به تعبیر استاد محمدتقی جعفری با یک قضیه فوق‌العاده شگفت‌انگیز روبه‌رو هستیم که برای اشخاص «مخالف با تعبد» به هیچ وجه قابل هضم نیست.^۱ ایشان سپس به نقل یکی از اساتید اروپایی حقوق می‌گوید: در واقع باید تصدیق کرد که ایده‌ها، کلیات، در سرزمین حقوق مبهمند، حدود و ثغور مفاهیم ذهنی، اصلی‌غیرواحدی و سرد ایراد است، مصطلحات عرف درهم و برهم می‌باشد، بلاشک همین امر است که نوده حقوقدانان را از این بررسی دور می‌کند.^۲

استاد جعفری سپس می‌افزاید: اگر در این جملات دقت فرمایید، بدون کوچکترین ابهام به این نتیجه می‌رسید که فلسفه و عدل اصلی حقوق بشری که ادعا می‌شود که روی عقل بناگذاری شده است، نامعلوم و مبهم است. اهمیت اصلی در مورد حقوق مورد اعتراض و قابل گفتگو است، ولی با این حال جوامع بشری روی زمین، به همین حقوق تسلیم شده و زندگی می‌کنند. تعجب در این است که با این حال، آن کسی که بدون چون و چرا «تسلیم» نظریات حقوقدانان است، در جستجوی عدل و فلسفه «حقوق» است. از آن طرف با در نظر گرفتن تجربه‌های فراوان در قلمروهای علمی که به شعبه‌های تخصصی تقسیم می‌گردند، نایستی هیچ کس در ماورای تخصص خود کوچکترین اظهار نظر نماید و در عین حال مجبور است که از گفته قلمرو مزبور تبعیت نماید، اما حاضر نیست که آن را «تعبد» نامگذاری کند!^۳

۱. محمدتقی جعفری: تعبد و تعقل در فقه اسلامی، ص ۲۷.

۲. همان، به نقل از مقدمه توری کلی و فلسفه حقوق (کلود دو پاکیه، استاد دانشگاه نوشاتل و ژنو)، ص ۱.

۳. محمدتقی جعفری: همان، ص ۲۷.

بسیار ساده‌انگاری است که کسی گمان کند با شیوه‌های جدید اعتبار بخشیدن به قوانین مانند روی آوردن به «رأی مردم» و برمسند داوری نشان دادن آن، مشکل «اعتبار حقوق» حل می‌شود، چرا که بلافاصله این سؤال مطرح می‌شود که: مگر با «رأی» می‌توان اعتبار «رأی» را تثبیت کرد؟ و آن «پیش‌فرض» که جدای از «رأی» دارای اصالت است کدام است؟

همچنین پناه آوردن به حقوق بشر آن‌گونه که در اعلامیه‌های جهانی ثبت شده است نیز نمی‌تواند این مشکل را حل کند؛ چرا که اعتبار حقوقی این اعلامیه‌ها یا بر مبنای «مبدأ اجرا بودن» معاهدات دولت‌های عضو است که در این صورت باید بپذیریم: دولت‌هایی که آن را امضاء نمی‌کنند، نسبت به آن، تعهد و الزامی ندارند و این منشورها را برای این لازم الاجرا نباید دانست و یا اعتبار حقوقی این اعلامیه‌ها، بر مبنای عرف بین‌المللی است. که همه کشورها چنین عرفی را نمی‌پذیرند، به علاوه که ریشه اعتبار چنین عرفی نیز بل تأمل است.^۱

کسانی که به «تعبد» در حق حکام الهی و قواعد فقهی روی خوش نشان نمی‌دهند و برایشان حتی اعتبار یک حکم که در پرتو عقلانیت جمعی به اثبات نرسیده باشد، غیر قابل تحمل است، چگونه است که در واگو کردن نظرات دیگران این‌گونه از روح تسلیم برخوردارند و چون و چرا را کنار می‌گذارند؟!

خوشبختانه احکام نگاه از فقه اسلامی، از مسائلی است که صالح آشکار فراوانی در آن موج می‌زند و کسانی که خردمندانه در آن تأمل کنند به حکمت‌های اجتماعی و فردی آن پی می‌برند. آثار تخریبی نگاه «لذت‌جویانه» و خطرات روانی-اجتماعی «نگاه‌های هرز» موضوعی نیست که از دید پژوهشگران جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مخفی باشد، چه اینکه «محدودیت در نگاه‌های غیرآلوده» نیز از فلسفه‌ای کاملاً معقول برخوردار است. به علاوه گاه به استناد «اصل سهولت» نیز تخفیف‌هایی در

۱. حسین مهرپور؛ نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص ۵۰.

ممنوعیت نگاه و کم شدن محدودیت‌ها صورت گرفته است و با این همه در موارد لازم از قبیل معالجه و خواستگاری، محدودیت‌ها به حداقل کاهش می‌یابد. در عین حال از این اصل اساسی نباید غفلت نمود که آگاهی از حکمت‌ها و مصالح، به معنی اجازه درهم شکستن «حدود» قانون نیست و حرمت «مرزها»ی احکام را حتی در این گونه موارد باید حفظ کرده و با «روح تعبد» از آن پاسداری کرد.

محققان فقه اسلامی، بحث‌های دقیق و عالمانه‌ای در این باره مطرح کرده‌اند که در این مقدمه، فرصت طرح و ارائه آنها نمی‌باشد، بویژه علامه میرزا حسین نائینی در رساله «لباس مشکوک»^۱ تحقیقات سودمندی در این زمینه دارد و توضیح داده است که چگونه ممکن است «حدود» یک حکم از «مصلحت» آن فراتر رود.^۱

نکته فوق از آن رو مورد تأیید قرار می‌گیرد که در بحث از نگاه، با تشخیص برخی حکمت‌ها، هرگز نباید جرأت دست‌انداختن در مرزهای حکم را به خود داد و در اظهار نظر به حدس و گمان در حکم خدا قضاوت کرد و نصوص معتبر را قربانی سلیقه‌های بی‌قاعده و سنت‌های ناپایدار اجتماعی ساخت.

❦ ❦ ❦

موضوع نگاه که در این جا بدان پرداخته می‌شود، دارای فروع فراوان است که اهم آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. این فروع در قالب فصول زیر تنظیم شده و ارائه می‌گردد:

۱. مباحث مقدماتی از قبیل رابطه دو موضوع «نگاه» و «پوشش»؛

۲. فلسفه محدودیت نگاه؛

۳. محدوده نگاه مرد به زن؛

۴. محدوده نگاه زن به مرد؛

۵. نگاه‌های آلوده: تلذذ و ریبه.

۶. نگاه‌های مجاز و محدوده هریک:

الف) نگاه در خواستگاری و برای ازدواج

ب) نگاه به زنان لاابالی و بدحجاب در جامعه

ج) نگاه به زنان غیرمسلمان

د) نگاه برای معالجه و درمان

ه) نگاه به زنان روستایی و بادیه نشینان

و) نگاه به زنان سالخورده

ز) دیدگاه‌های اجتماعی از قبیل شهادت

ح) نگاه به همسر

ط) نگاه به کودکان

ی) نگاه به محارم

۷. نگاه به تصویر از قبیل عکس، فیلم

سبک و شیوه این بررسی تحلیل است و نکات زیر باید مورد توجه خوانندگان

قرار داشته باشد:

۱. تحصیل یک موضوع فقهی، بر اساس «روش» صحیح استنباط» که در دانش

اصول فقه مشخص می‌شود، صورت می‌گیرد. از این روش در موضوع نگاه بکارگیری

همان روش مورد اهتمام است و به نقل دیدگاه‌ها و بیان اراک استعنا نمی‌شود.

۲. در تحصیل فقهی، باید به سراغ «منابع متقن» رفت. این منابع: قرآن، روایات

معصومین، عقل و اجماع است که در هر مسأله، مراجعه بدان‌ها و تأمل در پیام و

مدلول هریک ضروری است.

۳. در این بررسی، از پرداختن به مسائل صرفاً تنوریک که تنها در حوصله متخصصان

فقاہت است، پرهیز شده است و تلاش شده است تا موضوع از جنبه‌های عملی و

کاربردی مورد مطالعه قرار گیرد.

۴. این مجموعه درصدد آن است که دریچه‌ای از بحث‌های استدلالی حوزه به روی خوانندگان بگشاید. طبیعی است که چنین مباحثی برای عموم علاقه‌مندان به اطلاع از مبانی فقه، قابل استفاده و برای آشنایان با بحث‌های اجتهادی و استدلالی، مفیدتر و راهگشاست و به هر حال هر دو گروه در زمینه وظیفه عملی و تکلیف شخصی خود، باید بر طبق فتوای مرجع تقلید خویش عمل نمایند.